

## فرهنگ



## تاکید صالحی بر بازاریابی و فعال سازی ظرفیت های فرهنگی دستگاه ها

نشست شورای عالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، به ریاست عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور آیت الله محسن قمی معاون ارتباطات بین الملل دفتر مقام معظم رهبری، حجت الاسلام محمد مهدی ایمانی پور رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و دیگر اعضای این شورا به میزبانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شد. در این نشست صالحی با اشاره به شرایط منطقه و عرصه بین الملل، در خصوص ضرورت تحول گرای و توجه به الزامات عصر جدید در حوزه دیپلماسی فرهنگی مطالبی را مورد تأکید قرار داد. او افزود: تاکنون فعالیت های بسیار خوبی در فعال سازی ظرفیت های فرهنگی در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و دیگر دستگاه ها شکل گرفته اما ضروری است بازاریابی و تحول گرای در این عرصه مورد توجه جدی تری قرار گیرد. / ایران



## اکران مستند «در جستجوی برگمان» در خانه هنرمندان ایران

مستند «در جستجوی برگمان» ۹ دی ماه در سالن استاد ناصری خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی آید. در این فیلم محصول آلمان و فرانسه، سه مستندساز میراث سینمایی «اینگمار برگمان» را با نزدیکترین همکاران این سینماگر فقید سوئدی و همچنین نسل جدیدی از فیلمسازان بررسی می کنند. / هنر اتلایین



## افتتاحیه دو نمایشگاه «اسید آمینه ها» و «جهان معاصر» در تهران

نمایشگاه انفرادی وحید چمانی به نام «اسید آمینه ها» به عنوان اولین نمایشگاه حیات تاریخی کاشف السلطنه جمعه ۷ دی افتتاح می شود. این نمایشگاه شامل بیش از ۴۰ اثر نقاشی و تعدادی مجسمه است که در یک مکان تاریخی و متفاوت از فضای گالری اولیه نمایشگاه به این دلیل بود که وحید چمانی در آتش نگاه ویژه به تاریخ و پیشینه دوران قاجار دارد. همچنین نمایشگاه گروهی «جهان معاصر» ۷ دی ماه با شرکت ۳۴ هنرمند حوزه هنرها، تجسمی، با حضور آیتا زارعی نقاش و مدیر گروه هنری آبتیس و همچنین دیدارندگان آثار در گالری خوشبید افتتاح می شود. / هنر اتلایین



## صدای «نافوس نیمه شب» در کتابفروشی ها پدید می آید

رمان «نافوس نیمه شب» نوشته فرانسویس لئو به تاگی با ترجمه مریم مهدوی توسط انتشارات ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب یکی از عناوین مجموعه ادبیات وحشت است که این ناشر چاپ می کند. پیش از این، ترجمه رمان های «دراکولا»، «دکتر جکیل و آقای هاید»، «سنتیاپرون و ستراتزی»، «قلعه اوتراونتو» و «ساحره کوه کهریا» در قالب این مجموعه چاپ شده اند. / مهر

## چه کسی هنرمند، شاعر و عارف پیشه بود؟

آشنایی کاری من با استاد مرحوم ژاله علو، به آغاز فعالیت من با ایشان از سال ۱۳۴۴ در رادیو بازمی گردد و به حق، بسیاری از مسائل را از این بانو آموختم.

خاتم «ژاله علو»، از نادرترین هنرپیشه های زن، شاعر و عارف پیشه ایران بودند. ایشان زنی هنرمند و اهل مطالعه و باسواد بودند که بر تمام متون عرفانی ایران اشراف داشتند. اگر به تاریخ بازنگری این هنرمندی می مانند از دهه ۲۰ تا آخرین روزهای فعالیت عمر ارزشمندشان نگاهی گذرا هم ببیند از نیم، شاهد کارنامه بسیار درخشان او خواهیم بود، هنرمندی که تمامی فعالیت های او با کارگردانان صاحب اندیشه اتفاق افتاد.

متأسفانه اولین زندگی مشترک خاتم «ژاله علو» سرانجام خوبی نداشت، به این خاطر که آقای «نصرت الله محتشم» همسر بانو ژاله، با وجود اینکه انسان باسواد و توانایی بودند، اما در آن زمان با دربار شاهنشاهی در ارتباط بودند و به این واسطه نوعی غرور سلطنتی داشتند. به هر حال این دو با یکدیگر ازدواج کرده و زندگی هنری خود را آغاز کردند که در نهایت به جدایی شان ختم شد. حاصل ازدواج دوم بانو ژاله، «شاهرخ»، پسر ایشان که انسان بسیار خوبی است، بود و این مادر تمام عمر خود را برای بزرگ کردن این پسر گذاشت. «ژاله» هنگام کارگردانی کارهایش، نسبت به تمام افراد گروه احساس مادرانه ای داشتند و عاطفه و نرمش همیشه بر فضای کاری ایشان حاکم بود و هرگز خشونتی از وی در زمان انجام کار دیده نمی شد.

کوشش ژاله برای سوق دادن اندیشه بچه ها به سوی ادبیات عرفانی ایران وصف ناپذیر بود. ایشان جزو نادر هنرمندانی بودند که در هر عرصه ای که قدم می گذاشتند، از اندیشه و رزان آن عرصه می شدند و با درک عالی ای که از فضا داشتند، تأثیری بی مانند از خود بجا می گذاشتند. ایشان از دوستان بسیار خوب من بودند و هر دو در کارهای یکدیگر، در نقش های ویژه و خاص ایفای نقش کرده ایم.

در دهه سی و پس از کودتا، وضعیت تئاتر ایران که البته میدان کار هنرمندان خاص هم بود، شمشوش شد. در آن زمان ژاله نیز در کنار هنرمندان صاحب نام به فعالیت پرداخت و البته مانند همیشه خوش درخشید. باید بگویم که خصلت ها و صفات اخلاقی ای که ایشان داشتند، زیانزد همگان بود.

در سال های آخر عمر ایشان شاید آنگونه که باید، از هنر او بهره مند نشده و استفاده نکردیم، چرا که شرایط به گونه ای بود که ایشان از لحاظ روحی، روزهای آخر را غمگین سپری کردند. ای کاش شرایط بهتری برای ایشان رقم می خورد و با آرامش پایان عمر پرمشربان را زندگی می کردند. آرزوی آرامش برای روح این بانوی نازنین که سرمایه ای گرانبه برای فرهنگ و هنر ایران بودند، دارم.



نه تنها در تلویزیون، بلکه در هیچ جای دیگر هم، هیچ چیز سرجای خودش نیست و هیچ کس در جای خودش خدمت نمی کند، یا اصلاً خدمت نمی کند، من نمی کنم.

سیاه نمایی کنم، اما متناسبه وضعیت فرهنگی و هنری ما سیاه و نابسامان است

روستاییان یا همان لایه های پایینی جامعه و مسائل و مشکلات آنها باز نمی شود و اگر هم باز شود کمتر و به غلط به آن پرداخته می شود. بهزاد فراهانی با تأملی در حوزه تئاتر و نمایش کشور، بخصوص فعالیت گروه های جوان تر در این حوزه، عنوان می کند: «اگر نگاهی به شناسنامه آقای «بهرام بیضایی» از آغاز تا امروز ببیند، لذتی از زیرووم تاریخ ایران و مردم ایران را در آن خواهید یافت؛ از «رگب» که درخشان ترین فیلم دوران جوانی «بیضایی» بود تا کارهای ارزشمند دیگر ایشان و در ادامه نویسنده های دیگر دهه ۴۰ که مقبولیت تئاتر ایران را بی ریزی کردند. اما در آثار امروزی اصل بر خردندانند تماشاگراست و تئاتر و به نوعی سینما و تلویزیون به یک کاسی تبدیل شده و در نهایت شگفتی کسی نیست که به آنها بگوید آقا این چه کاری است می کنید؟ آیا ما ادبیات نداریم؟ ما گذشته تاریخ و تمدن نداریم؟ آیا ما شخصیت های مبارز ملی علیه دشمنان این مرز و بوم نداریم؟ فراهانی در پایان تصریح می کند: با توجه به وضعیت پیش آمده در سینمای ایران، دیگر حرفی برای گفتن در خصوص انجام کاری تازه، برای من نمانده است، نمی دانم چه می توان گفت؟ دیگر ترجیح می دهم کار خود را انجام دهم، بخوانم و بنویسم و این آخر باقی مانده عمرم را زندگی کنم، بنابراین می نویسم و می نویسم و می خوانم و گاهی پاره می کنم و دور می ریزم.



معاون وزیر ارشاد: در نظر داریم به سراغ بزرگان موسیقی کودک همچون خانم مرضیه برومند و دیگرانی که در این سال ها یک مقدار کم کار شده اند، برویم و آنها را بازرگانییم تا از بزرگان در حوزه کودک برای نسل جدیدتر بهره بیشتری ببریم

در حوزه کودک برای نسل جدیدتر بهره بیشتری ببریم. او تأکید کرد: اگر می خواهیم کاری برای کودکان و نوجوانان انجام بدهیم، باید برای این نسل باشد و ضرورت دارد و این نوید را می دهیم که قول آن را از خانم برومند گرفته ایم.»

## چرا متولی موسیقی کودک و نوجوان نداریم؟

مرضیه برومند، کارگردان و نویسنده نام آشنای کودک و نوجوان برین نظراسست که تولیادت موسیقی کودک و نوجوان کم یا بسیار انگشت شماراست. این کارگردان و نویسنده نام آشنای کشورمان که چهره شناخته شده در تولیادت آثار کودک و نوجوان است در گفت و گو با «ایران» بیان کرد: «موسیقی، هنری است بسیار اثرگذار و این پتانسیل را دارد که همگان را به دور خود جمع کند. هنری شادان آورکه موجب شوق و لذت کودکان است.»

به گفته کارگردان فیلم سینمایی «مدرسه موش ها» شعر و ترانه از شاخصه های اصلی موسیقی کودک است اما ترانه های خوب و اثرگذار کودک و نوجوان بسیار کم و گاه بی محتوا شده اند. به عقیده من ترانه های کودک و نوجوان باید با شعاری ساده و روان سروده شود تا بدین طریق کودکان بتوانند بر راحتی با آن ارتباط برقرار کنند و به دنبال آن موسیقی های خوب هم روی آن قرار بگیرد. نکته دیگری اینک شعر و ترانه کودک و نوجوان باید حامل پیام خوب باشد. به عنوان مثال تولیادت ترانه های مناسبی همچون روز مادر، نوروز یا سرودن ترانه برای

دور هستند، تبدیل شده است.» وی با انتقاد از فضای غیر حرفه ای صدا و سیما تصریح کرد: در تلویزیون از سویی شخصیت های اصلی هنری و ملی سرزمین مان ایران در آن کنار گذاشته شده اند و سپس تلاش می کند تا این اتفاقات نامیمون را پنهان کند و مخاطب را با تولید محصولات سطح پایین به یک کیفیت کردن ساده راضی نگه دارد، به همین دلیل با وجود اینکه با تلویزیون کار می کنم، اما شخصاً آن را رسانه همه مردم نمی دانم.

## حال خراب تلویزیون

فراهانی با ابراز ناامیدی از بهبود وضعیت و شرایط تلویزیون، گفت: شما جوان ترها نیز امیدوار باشید که مگر اتفاقی بیفتد تا بعد نوبت به ما هم برسد. نبود جذابیت موجود در محصولات تلویزیونی باعث گرایش مخاطبان به ماهواره و سایر پلتفرم های داخلی شده است که این نشان از سیاست غلط این سازمان دارد. من علت را این می دانم که نه تنها در تلویزیون، بلکه در هیچ جای دیگر هم، هیچ چیز سرجای خودش نیست و هیچ کس در جای خودش خدمت نمی کند، یا اصلاً خدمت نمی کند. من نمی خواهم سیاه نمایی کنم، اما آن کنار گذاشته شدن نویسندگان و هنرمندان مطرح و صاحب اسم و سبک از این عرصه است. تلویزیون به یک میدان تاخت و تاز برای کسانی که خیلی با ادبیات ملی آشنا نبوده و از این ماجرا

تلویزیونی «سوجان»، می گوید: خاطره خوش همکاری با آقای «حسین تبریزی» و بویژه حضور ارزشمند خانم «ثریا قاسمی» در این مجموعه تلویزیونی، باعث شد دعوت برای حضور در سریال جدید این کارگردان یا همان «سوجان» را بپذیرم. برای اولین بار بود که کل فیلمنامه را خواندم، بلکه فقط نقش و تمام سنکاسن هایی که به اول و آخر نقش من در این مجموعه مرتبط بود را خوانده و احساس کردم نقشی است که می خواهم آن را اجرا کنم.

هنرمند پیشگام کشورمان در ادامه با بیان اینکه این روزها دیگر تلویزیون هم مانند سینما و حتی بیشتر از آن حال خوبی ندارد، می افزاید: همان طور که می بینیم شاهد افت شدید تولید آثار با کیفیت در تلویزیون هستیم و گویی که تلویزیون جایگاه و رسالت اصلی خود را از یاد برده است.

## تبلیغات تلویزیون در اختیار قلدران صاحب ثروت

به گفته بهزاد فراهانی، «تبلیغات تلویزیونی این روزها فقط به فکر شکم قلدران صاحب ثروت بوده و در این راستا صاحب حرکت می کند. همچنین آثار تولید شده در آن هم طبیعتاً متأثر از چنین وضعیتی است و حاصل آن کنار گذاشته شدن نویسندگان و هنرمندان مطرح و صاحب اسم و سبک از این عرصه است. تلویزیون به یک میدان تاخت و تاز برای کسانی که خیلی با ادبیات ملی آشنا نبوده و از این ماجرا

## گزارش

معصومه غفاری روزنامه نگار

عمرش را روی صحنه تئاتر و جلوی دوربین سینما و تلویزیون گذرانده؛ عمری که کارنامه فعالیت های هنری اش نشان می دهد تا چه میزان پربار بوده است. هنرمند ایرانی ۷۹ ساله، این روزها با «سوجان» میهمان قالب تلویزیون است، سریالی پرمخاطب از دل جنگل های سرسبز شمال که روایتگر زندگی خانوادگی و عاشقانه دختری به نام «سوجان» بوده و در ادامه با نگاهی جامعه شناسانه، به تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در قرن معاصر پرداخته است. «بهزاد فراهانی» بازیگر، فیلمنامه نویس و نمایشنامه نویس کهنه کار کشورمان در گفت و گو با «ایران» در کنار توصیف چگونگی حضورش در این مجموعه تلویزیونی، تأملی نیز در کاستی های فرهنگی و هنری کشور در عرصه های مختلف تئاتر، تلویزیون، رادیو و سینما دارد. او بر این باور است که «بحث اصلی بر سر ملی بودن» صدا و سیماست. تلویزیون گوشه چشمی بر غم و اندوه توده های زحمتکش و فقیر کشور ندارد.

## هنرممایی در سریال سوجان او در خصوص حضورش در مجموعه

## دیگر هیچکس برای فرزندان ایران ساز نمی نوازد

## کودکان صامت



## گزارش

نداسیجانی روزنامه نگار

است. اما در چند روز گذشته ارکستر ملی ایران، با همراهی بنیاد رودکی و مشارکت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اجرای خوب و ارزشمندی را در خصوص موسیقی کودک و نوجوان به روی صحنه برد. کنسرتی با عنوان «برچهره لبخند» با رهبری هانیون رحیمیان و روایت موسیقایی صابر ابر. کنسرتی که از همان ابتدای ورودی سالن تالار رودت، حال و هوای کودکانه داشت، چیدمان سالن با میز صندلی های کوچک و مداخله های زنگی و دفترهای نقاشی مزین شده بود و کودکانی که با شور و شوق به دور آن جمع شده بودند تا آغازی باشد برای شنیدن یک نوا نوستالژی کودکانه. قطعاتی با عنوان «گرگ بلا»، «نوروز تو راهه»، «باغ ما پرچین داره»، «روزبرف بازنه»، «گره ای که مادرم»، «عروسک جون»، «جای آهو»، «تن فشنگ من» اثر نمین باغچه بان «خونه مادر بزرگه»، «قصه های زانر از موسیقی نبوده است. حتی درخش اجراهای صحنه ای هم این کم توجهی مشهود است و اغلب کنسرت های کودکان به صورت اجراهای آموزشی گاهی بوده



## بازگشت دوباره بزرگان موسیقی کودک و نوجوان

ناداره رضایی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درحاشیه کنسرت «برچهره لبخند» درباره نگاه مسئولان فرهنگی به موسیقی کودک و نوجوان بیان کرد: «طبی صحبت هایی که با خانم مرضیه برومند و دوستان جوان تری که در این حوزه کاری هستند، انجام گرفته، تصمیم داریم برگرفته از همین کارنوستالژیک که در این کنسرت اجرا و شنیده شد و برای ما خاطرات خوب جمعی ساخت، تولید چنین کارهایی را که می تواند برای نسل جدید هم نیاز روز باشد از سر بگیریم و بدان توجه ویژه ای شود. حتی می توان کارهای جدیدتری با همین مضمون و موضوع تولید کرد. بنابراین به همین بهانه در نظر داریم به سراغ بزرگان موسیقی کودک همچون خانم مرضیه برومند و دیگرانی که در این سال ها یک مقدار کم کار شده اند، برویم و آنها را به این عرصه بازرگانییم تا از تجربیات این بزرگان